

مبانی تفسیر مدیریتی قرآن کریم

محمد رضا یوسفی*

چکیده

قرآن کتاب هدایت است و برای سعادت انسان در تمام دوران بشریت تقدیم شده است. این ویژگی بی‌همتای قرآن نیازمند آن است تا در عرصه‌های گوناگون علمی و عملی حیات آدمی تبلور یابد. یکی از این عرصه‌ها مدیریت است که نقش مهمی در پیشرفت و بقای جوامع داشته و دارد. در قدم نخستین ضابطه‌مند سازی تفسیر مدیریتی قرآن از ضرورت‌ها است. هدف پژوهش حاضر؛ استخراج و تبیین مبانی تفسیر مدیریتی قرآن، همچون تبار (گرایش) شناسی، مبانی عام و خاص تفسیر مدیریتی قرآن، رویکردها و روش‌هاست که با شیوه توصیفی تحلیلی، به روش اسنادی از منابع و پژوهش‌های قرآنی انجام شده است. پیوستگی این علم با تفسیر علمی و دارا بودن مبانی خاصی مانند وجود آموزه‌های مدیریتی در قرآن، معطوف به رفتار بودن آیات قرآنی، مرجعیت و نجات بخشی قرآن در شرایط بحرانی و وجود دو روش صحیح استخدام علوم در فهم آیات مدیریتی و نظریه پردازی‌های مدیریتی بر اساس آیات قرآن و دو روش غلط استخراج

۱۱۸

*. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی

امام خمینی (ره)، مدرسه عالی قرآن و حدیث: yosofimr@gmail.com

همه مسائل مدیریتی از قرآن و تحمیل و تطبیق نظریات مدیریتی بر قرآن از یافته‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر مدیریتی، مبانی، گرایش و روش.

مقدمه

در فضای پرشتاب علمی معاصر پرداختن به تفسیرهای تخصصی همچون تفسیر مدیریتی، و استخراج و ارائه آموزه‌های قرآن از ضرورت‌ها است. در سایه این تلاش دیدگاه‌های والا، فاخر و بی‌همتای این کتاب یگانه بر انسان‌های حیران امروزین آشکار و گرایش به آیین پاک اسلام و سالم‌سازی جامعه انسانی آسان‌تر می‌شود.

برای دستیابی به این هدف ارزشمند، ورود روشمند و نگاهی تخصصی - کاربردی زمینه بهره‌مندی از این خوان الهی را میسر می‌سازد.

با این وجود، تفسیر مدیریتی قرآن، که انشعابی از تفسیر علمی قرآن است، اکنون در گام‌های نخستین شکل‌گیری است و هنوز الگوی کاملی از آن همچون مبانی، قواعد و اصول، روش‌ها و اهداف به درستی مشخص نشده‌اند. بی‌شک برای کامل شدن الگوی تفسیر مدیریتی قرآن، باید تلاش‌های فراوانی صورت گیرد؛ تا در سایه این قانون‌مندی تفاسیر گوناگون مدیریتی با توجه به نیازهای این عرصه تقدیم جامعه علمی و انسانی شود.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا پس از مفهوم‌شناسی و ارائه تعریف از تفسیر مدیریتی قرآن، به پیشینه این تفسیر بپردازد. در مراحل بعدی، به تبار (گرایش) شناسی، مبانی عام و خاص، رویکردها، روش‌ها و شیوه‌های صحیح و غلط تفسیر مدیریتی و در نهایت به ارائه نمونه‌هایی از آیات تفسیر شده با رویکرد مدیریتی استناد کند.

مفهوم شناسی

تفسیر مدیریتی از دو واژه «تفسیر» و «مدیریت» شکل یافته است. از این رو، نخست به تعریف جداگانه هریک و در نهایت به تعریف تفسیر مدیریتی پرداخته می‌شود. همچنین به دلیل جایگاه مهم «گرایش» و «روش» در تفسیر به تعریف و بیان تفاوت‌ها و ویژگی‌های این دو نیز توجه می‌گردد.

۱- تفسیر

تفسیر؛ کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها، یا تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن، بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۳؛ بابایی، ۱۳۷۹: ۲۳).

گرایش: تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش در تفسیر قرآن است که بر اساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد. (رضایی اصفهانی، همان)

روش: استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر آیات قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشابهی را به دست می‌دهد. (همان)

برای مشخص شدن دقیق مفهوم گرایش و روش ضروری است تا به بیان ویژگی‌ها و تفاوت‌های این دو با یکدیگر پرداخته شود: مهم‌ترین این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها عبارتند از:

۱. مبحث روش‌ها بر اساس چگونگی روش کشف معنا و مقصود آیه استوار است؛

۲. مبحث روش‌ها بر اساس منبع و ابزار تفسیری، همچون کاربرد عقل و روایات شکل می‌گیرد؛

۳. در مبحث گرایش، بیشتر شخص مفسر مطرح است؛ یعنی باورها و سلیقه‌ها و جهت‌گیری‌های شخصی مفسر که به تفسیر جهت می‌دهد و متنی متناسب با آن‌ها پدید می‌آورد؛ «ولی در بحث روش‌ها سخن از ویژگی تفسیر است».

۴. در مبحث گرایش متن تفسیر مطرح است که با چه اسلوبی نگارش یافته و بیشتر چه مطالب کلامی، ادبی، یا... در آن راه‌یافته است.

۲- مدیریت

مدیریت در لغت به معنای کارگردان، گرداننده، دور دهنده و اداره کننده است. (دهخدا، لغت‌نامه، واژه مدیر)، مدیر (مانند مقیم) یعنی اداره کننده (به اصطلاح اسم فاعل است) که از مصدر اداره (بر وزن اقامه) گرفته شده است. در قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) لفظ مدیریت یا اداره نیامده است ولی برخی از مشتقات آن، همچون مدبر (رعد/۲) به معنای اداره کننده، آمده است.

در اصطلاح، مدیریت^۱ عبارت است از انجام کارها از طریق دیگران (جزنی، ۱۳۸۶: ۲۲) و یا فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است، که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۷: ۶).

۳- تفسیر مدیریتی

^۱-Managemet

به دلیل نوپا بودن این گونه از تفسیر، هنوز تعاریف چندانی از آن ارائه نشده است. در یکی از منابع آمده است: مقصود از تفسیر مدیریتی، بررسی آیات برای استنباط و کشف نظام مدیریتی جامع از قرآن، است. (قرآن و علم، شماره ۴، ص ۱۶۱).
و یا تفسیر مدیریتی آیات قرآن، تفسیری علمی و روشمند است که با رویکردی تخصصی، کاربردی در مقام کشف و تبیین معارف و حقایق ناظر بر هدایت، رهبری و مدیریت افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، حکومت‌ها و جوامع از آیات قرآن بر می‌آید (همان).

در نهایت می‌توان گفت: تفسیر مدیریتی، یعنی کشف و پرده‌برداری از ابهامات واژه‌ها و جمله‌های قرآن در حوزه مدیریت و توضیح و تبیین مقاصد و اهداف آیات قرآن بر اساس یافته‌های مدیریت و سازمان.

پیشینه

در موضوعات تفسیری رسم بر آن است، بررسی پیشینه از صدر اسلام آغاز گردد ولی نگارنده به دلیل نو بودن این رشته، کنکاش در روایات و سیره معصومین و بزرگان را به فرصتی دیگر وا می‌نهد و از دوران معاصر و پیش‌تر از آن آغاز می‌کند.
گرایش تفسیر مدیریتی در یک نگاه کلان‌تر، در زیر مجموعه تفاسیر اجتماعی قرار دارد و باید ریشه‌های تفسیر مدیریتی را در آثار و تفاسیر اجتماعی پی گرفت. سید جمال‌الدین اسدآبادی (م ۱۳۱۵ هـ) نخستین آغازگر حرکت اجتماعی با نگاهی نو به قرآن است که شاگرد او محمد عبده (م ۱۳۲۳ هـ) این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت. (معرفت، ۱۴۱۸: ۲/۴۵۳)، گرایش اجتماعی تفسیر راه خود ادامه داد و در مصر افرادی همچون شیخ احمد مصطفی مراغی (تفسیر مراغی) و سید قطب (فی

ظلال القرآن) و در سوره قاسمی (محاسن التأویل) و در ایران علامه طباطبایی (المیزان) و آیت الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه) و ... این راه را ادامه دادند.

از آن پس آهسته، آهسته شاهد ورود آثار پژوهشگران و اندیشمندان و مفسران به این عرصه می‌باشیم که بیشتر می‌توان به این آثار، صفت تک‌نگاری را داد زیرا به بخش یا موضوعی از مباحث مدیریت و آن هم به طور عام و نه چندان تخصصی پرداخته شده است.

در میان آثار شیعی، نخستین بار شهید مرتضی مطهری در پیش از انقلاب اسلامی به ارائه دو مقاله تحت عنوان «مدیریت و رهبری در اسلام» و «رشد» همّت گماردند، پس از انقلاب اسلامی در زمینه مدیریت اسلامی، کتاب‌ها، مجلات و مقاله‌های زیادی، به رشته تحریر در آمده‌اند. (قوامی، ۱۳۸۳: ۲۶). ۳۰۰ اصل در مدیریت، حجة الاسلام قرائتی، تفسیر راهنما (۱۲۰۰ مورد برداشت مدیریتی) و فرهنگ قرآن (ج ۲۸، صص ۸۶-۸۰)، آیت الله هاشمی رفسنجانی، جامعه از منظر قرآن آیت الله جوادی آملی، مدیریت رحمانی و مدیریت از منظر کتاب و سنت حجة الاسلام سید صمصام الدین قوامی و مجله نخل شداد (فصل نامه تخصصی مدیریت اسلامی) و فصل نامه فرهنگ مدیریت (مجتمع آموزش عالی قم) و پایان‌نامه‌های مدیریت گزینش از منظر قرآن (سید محبوب حسینی) و نظارت و ارزیابی در مدیریت از منظر قرآن (زکی رجیبی) در زمره این آثار می‌باشند.

در میان اهل سنت نیز به کتاب آراء اهل المدینه الفاضله اثر ابو نصر محمد بن طرحان (فارابی) که به اسلوب رهبری در مدیریت اشاره دارد که باید اعضای مدینه فاضله دارای رهبر باشند. فارابی صفاتی را برای این رهبر بر می‌شمارد، اثر دیگر کتاب الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة اثر ابوالحسن علی بن حبیب البصری (ماوردی شافعی) است. غزالی در

نصیحه الملوکش به بیان صفات رهبری در مدیریت و نصیحت‌هایی به پادشاهان توجه دارد.

در مجموع به دلایل چندی از جمله نو بودن گرایش تفسیر مدیریتی هنوز به طور جدی و تخصصی به تفسیر مدیریتی قرآن به روش علمی پرداخته نشده است. دلیل دیگر می‌تواند از عدم تخصص یا نبود جدیت توانمندان عرصه‌های علم مدیریت، در ارائه علمی آموزه‌های مدیریت قرآنی باشد. از این رو برای رشد و بالندگی این رشته نوپای توجه جدی به پرورش نسلی از آگاهان به دو عرصه مدیریت و تفسیر برای ارائه تفسیر مدیریتی قرآن ضروری می‌نماید.

تبار (گرایش) شناسی تفسیر مدیریتی قرآن

گرایش‌های تفسیری از دیرباز در عرض روش‌های تفسیری مطرح بوده‌اند و نقش این مبحث در تاریخ تفسیر و شناخت تفاسیر و مفسران بسیار مهم است. (رضایی اصفهانی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۴۲۰) برای تبارشناسی گرایش تفسیر مدیریتی نیز ضروری است تا انواع گرایش‌های تفسیری مشخص و آنگاه جایگاه تفسیر مدیریتی را در میان آن‌ها آشکار ساخت. گرایش‌های تفسیری برآمده از یکی از موارد ذیل است. الف) مذاهب تفسیری: تفسیر آیات قرآن بر اساس باورهای مذهبی که ثمره آن در تفاسیر شیعی، رمزی و... قابل مشاهده است.

۱۲۴

ب) مکاتب تفسیری (گرایش کلامی): تفسیر قرآن بر اساس گرایش فکری به یکی از مکاتب کلامی همچون معتزله، اشاعره و شیعه.

ج) سبک‌های تفسیری (الوان تفسیر): مفسر بر اساس تخصص در علم خاص و یا بر اساس علاقه و ذوقی که به یک علم یا مبحث خاص دارد در تفسیر قرآن بیشتر مطالب

را بر اساس آن مطرح می‌کند. از این دو گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری متفاوتی مانند تفسیر ادبی، فقهی، اجتماعی، اخلاقی و علمی به وجود آمده است.

د) جهت‌گیری‌های عصری در تفسیر (اتجاهات تفسیری): گاهی به خاطر احساس نیاز و ضرورت ذهن و روان، مفسران قرآن در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، به یکی از آن‌ها مانند مسائل اخلاقی، معنوی، سیاسی و... توجه کرده‌اند.

و. اسلوب‌های تفسیری (شیوه‌های نگارش تفسیر): شیوه نگارش مفسران در تفسیر یکسان نیست و بر اساس سلیقه و ذوق و یا با توجه به مخاطب خاص، اسلوب‌های نگارش و سبک پردازش مطلب متفاوت می‌گردد. از این‌رو شیوه‌های نگارش تفسیر می‌تواند ترتیبی، موضوعی، مزجی، جامع و غیر جامع و مختصر، متوسط و مفصل باشد. روش‌ها یا گرایش‌های تفسیری، نفی‌کننده همدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند و پذیرش یکی، مانع از پذیرش روش و گرایش دیگری نیست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۹).

با توجه به گرایش‌های تفسیر، تفسیر مدیریتی می‌تواند از سویی در اسلوب‌های تفسیری مطرح گردد و مفسر بر اساس سلیقه، ذوق و یا توجه به مخاطبان خود، تفسیر را به صورت ترتیبی یا موضوعی بنا می‌کند یعنی می‌توان آیات را جداگانه و با توجه به موضوع و یا به ترتیب مصحف یا نزول آن‌ها مورد بررسی قرار داد.

همچنین تفسیر مدیریتی می‌تواند در سبک‌های تفسیری (الوان تفسیر) نیز جای گیرد. این تفسیر از یک سو به سبک اجتماعی توجه دارد زیرا در یک نگاه عام، مدیریت یکی از موضوعات اجتماعی در کنار موضوعات و مسائل حقوقی، اقتصادی و سیاسی است و از سوی دیگر از آنجا که مدیریت یک علم و تخصص است، از این‌رو مفسر

می‌تواند بر اساس علم مدیریت به تفسیر آیات قرآن کریم بپردازد که در این حالت تفسیر مدیریتی در سبک علمی جای می‌گیرد.

مبانی تفسیر مدیریتی

مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آن‌ها، به تفسیر قرآن می‌پردازد. (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۴۰) این مبانی به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌گردند. هدف از بیان مبانی عام و خاص نگاه درست مفسر به واقعیت‌ها است تا با توجه به آن‌ها دست به تفسیر ببرد.

۱- مبانی عام

مبانی عام، آن دسته از مبانی است که برای تفسیر در تمام گرایش‌ها و به هر روشی، مورد استفاده قرار می‌گیرد و مفسر باید مبانی و پیش فرض‌هایی بنیادین را پذیرا گردد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از الهی بودن قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن، جواز فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر قرآن، چند معنایی بودن آیات قرآن، انسجام و پیوستگی آیات قرآن (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۵۰) جدایی‌ناپذیری قرآن و سنت (پیامبر (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام))، جامعیت قرآن جهانی و جاودانی بودن قرآن و... (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۱)، ص ۸) (برای مطالعه درباره مبانی عام به منابع یادشده در بخش مبانی عام مراجعه شود).

۱۲۶

۲- مبانی خاص

مبانی خاص: به آن دسته از پیش فرض‌ها و هست‌هایی در تفسیر مدیریتی اطلاق می‌شود که مفسر باید با توجه به آن مبانی، به سراغ قرآن با نگاه مدیریتی برود.

برخی از مهم‌ترین این مبانی عبارتند از:

۱. قرآن کریم غنی‌ترین منبع مطالعات مدیریتی است (وجود آیات مدیریتی در قرآن و معنادار بودن آن‌ها) با مردم به نیکی سخن بگویید؛ دوست باشند یا دشمن (بقره / ۸۳)، کریمانه سخن بگویید (اسراء / ۲۳)؛ سخن باید محکم و مستدل باشد (نساء / ۹۹)؛
۲. فرا تاریخی بودن آموزه‌های مدیریتی قرآن «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»، (سباء / ۲۸) و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم. ویژگی کتاب همیشگی آن است که ۱. به زبان جهانی سخن بگوید ۲. محتوایش برای همگان سودمند باشد.
۳. هادی بودن آیات مدیریتی برای دنیای بشر «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ»، (نحل / ۸۹) و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است!
۴. اجتماعی بودن قرآن. آیات فراوانی در قرآن وجود دارند که مخاطب آن‌ها همه مردم است. «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ، انْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»
۵. معطوف به رفتار بودن آیات قرآن: رفتار عبارت است از آن دسته از حالت‌ها، عادت‌ها و فعالیت‌ها، کنش‌ها، و واکنش‌های به نسبت پایدار که از انسان سر می‌زند و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان، اعمال فیزیولوژیک (مثل حرکات دست‌ها و پاها) عاطفی و فعالیت‌های عقلی است و همواره قابل مشاهده، اندازه‌گیری، ارزیابی و پیش‌بینی است (سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه‌ها و روش‌ها، ۴۱). قرآن به رفتار آدمی توجه دارد از این در یکی از آیات می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»، (جمعه/۲) و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

۶. مرجعیت و نجات‌بخشی قرآن در شرایط بحرانی «فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۹۹). (مؤدب و لطفی، پیش‌فرض‌ها و مبانی مطالعات مدیریتی قرآن کریم، قرآن و علم، چهارم، صص ۱۱۷-۱۳۵).

رویکردهای تفسیر مدیریتی

منظور از رویکرد میزان تعامل مفسر با آموزه‌های مدیریتی قرآن است به سخن دیگر رویکرد به عمق و وسعت توجه مفسر به قرآن از منظر مدیریت توجه دارد. سه رویکرد برای مفسر مدیریتی قابل طرح است:

۱- تفسیر آیات مدیریتی

که هدف فهم بهتر آیات مدیریتی قرآن یا توضیح آنها است. قرآن حدود سیصد آیه با پیام‌های روشن مدیریتی دارد که مفسر می‌تواند به طور مستقیم به سراغ این آیات برود و به تفسیر آنها از منظر مدیریت پردازد.

۲- نگاه مدیریتی به قرآن

در این دیدگاه تمام قرآن مجید، دارای پیام‌های مستقیم یا غیرمستقیم مدیریتی می‌باشند و علم مدیریت تمام آیات قرآن را از زاویه مدیریت و مسائل و مباحث موجود در این علم به بررسی و پژوهش می‌گذارد.

۳- کشف و استنباط نظام مدیریتی از قرآن

در این نگاه، مقصود از تفسیر مدیریتی بررسی آیات برای استنباط و کشف نظام مدیریتی جامع از قرآن، است و مفسر باید به دنبال استخراج مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و... برای ترسیم یک نظام جامع باشد. این نگرش نیازمند مذاقه و تلاش بیشتر برای استنباط است.

در تفسیر مدیریتی از هر سه نگاه می‌توان بهره برد هرچند به نظر می‌آید برای ترسیم نظام مدیریتی قرآن، در گام نخست نیازمند تفسیر آیات مدیریتی، در گام بعدی تفسیر کل قرآن مجید از منظر مدیریت و در نهایت ترسیم نظام مدیریتی با استفاده از تجارب پیشین است.

روش‌های تفسیر مدیریتی

مقصود از «روش» استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد و یا چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را روش تفسیر قرآن گویند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۲) و یا روش تفسیری می‌تواند، مستند و یا مستنداتی باشد که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آن‌ها بهره گرفته‌اند که می‌توان از آن به «منهج تفسیری» نیز تعبیر

کرد. (مؤدب، ۱۳۹۴: ۱۶۵) از این روش‌های تفسیری از گذشته‌های بسیار دور و از همان صدر اسلام وجود داشته است.

از نظر روشی به دو گونه ترتیبی و موضوعی می‌توان به سراغ قرآن رفت. تفسیر ترتیبی یا بر اساس ترتیب سوره‌ها و آیات مصحف است یا ترتیب نزول آیات در زمان پیامبر اسلام (ص). به نظر می‌آید از دو نوع تفسیر ترتیبی، بحث به ترتیب نزول آیات کارآمدتر باشد. اگر آیات مکی و مدنی به ترتیب نزول تنظیم گردند. آن‌گاه شاید بتوان چگونگی مدیریت پیامبر (ص) را بر اساس اقتضائات و نیز تکامل اسلام و جامعه مسلمانان کشف کرد.

در تفسیر موضوعی نیز می‌توان به سه شیوه تفسیری عمل کرد:

۱. شیوه درون‌متنی (سنتی): موضوعی از درون قرآن گرفته می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد این شیوه از گذشته‌های دور مورد استفاده علما بوده است و تفسیرهای فراوانی در موضوعاتی همچون نماز، زکات، روزه و... به این سبک به نگارش در آمده‌اند.
۲. شیوه برون‌متنی (روش شهید صدر)

در این روش مفسر کار خود را با واقعیت موجود و محصول تجربه بشر در متن زندگی آغاز می‌کند و با شناسایی عناصر اصلی موضوع، پرسش‌ها و خلأهای موجود را مطالعه و سپس به قرآن عرضه می‌کند (شهید صدر، اقتصادنا، ۱۴۰۸: ۵۱-۴۸) مفسر در این روش نقشی فعال یافته و فارغ از قضاوت پیشین، به قرآن مراجعه می‌کند. او به تحلیل‌های علمی فقط از جهت ارائه عناصر اصلی موضوع اعتماد می‌کند و با دیده تردید بدان می‌نگرد و با مقایسه و عرضه آن بر وحی، در پی کشف درستی و نادرستی و نیز انتساب آن بر قرآن بر می‌آید. پویایی و پیش روی تفسیر در این دیدگاه بسیار مشهود

است (همان: ۵۴)، امروزه از ویژگی‌های مهم این روش توجه زیاد به علوم انسانی است و این که قابلیت تطبیق بر علوم انسانی را نیز دارد (کیا الحسینی، بی‌تا: ص ۴۳۱). امروزه روش تفسیر موضوعی برون‌گرا به عنوان روش علمی قابل طرح، از ویژگی مسئله محوری برخوردار است. (قراملکی، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۲۰) و می‌تواند حضوری کاربردی در جامعه دست یابد و تلاش‌های تفسیری در حقیقت فعالیتی برای حل مشکلات باشد.

از این روش در علم مدیریت هم می‌توان برای نفی یا اثبات نظام‌ها یا نظریه‌های مدیریتی استفاده کرد یعنی باید یک نظریه مدیریتی را بر قرآن عرضه کرد و پس از بررسی آیات موافق و مخالف نظر قرآن را به دست آورد و هم با عرضه مسائل و موضوعات تخصصی مدیریتی همچون کارآمدی، اثربخشی، کنترل و تصمیم‌گیری به بیان دیدگاه‌های قرآن و راهکارهای قرآن دست یافت.

۳. تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای: امروزه این روش از اقبال فراوانی برخوردار است و به تولید علم منتهی می‌شود و مباحث جذابی را در خود جای داده است. در این روش مفسر یک موضوع واحد را از دو نگاه بررسی می‌کند، به عنوان نمونه، می‌توان به موضوع شرایط رهبری از نگاه علم مدیریت و قرآن پرداخت. نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها را یافت و تا حدّ ارائه نظریه جدید در آن مورد پیش رفت. این شیوه گاهی به تولید علم جدید می‌انجامد. اگر مبانی مدیریت همچون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و. از نگاه دانش مدیریت و قرآن بررسی شوند رابطه عام و خاص من وجه به دست می‌آید و می‌توان موارد افتراق و اشتراک آن‌ها را پیدا کرد و دانش مدیریت را به تدریج قبض و بسط داد و علم جدید تولید کرد.

پس بطور خلاصه دو شیوه تفسیر ترتیبی (به ترتیب نزول و مصحف) و سه شیوه تفسیر موضوعی در تفسیر مدیریتی قابل طرح و استفاده است.

از دیگر روش‌های مطرح تفسیر قرآن عبارتند از: روش‌های قرآن به قرآن، روایی، عقلی و اجتهادی، اشاری (عرفانی و بطنی)، علمی، کامل و جامع و تفسیر به رأی. هرچند تفسیر به رأی در حقیقت در زمره روش‌های تفسیری نیست و از روشی اشتباه و مردود در تفسیر استفاده شده است و مقصود و معانی واقعی آیات را مشخص نمی‌سازد. از میان روش‌های تفسیری روش تفسیر مدیریتی در ذیل تفسیر علمی قرار می‌گیرد. مقصود از تفسیر علمی، استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۸۴)

تفسیر علمی، خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که برخی از آن‌ها ره به خطا می‌برند. همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند. تفسیر علمی ممکن است که به روش غلط و یا به روش صحیح انجام گیرد که اکنون به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. شیوه‌های غلط

۱-۱. استخراج همه جزئیات و مسائل مدیریتی از قرآن

طرفداران قدیمی تفسیر علمی، مانند: ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا، عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد. و آیاتی چون «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»، (نحل / ۸۹) و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز است»

و یا آیه «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام / ۵۹)؛ و هیچ تر و هیچ خشکی نیست، جز این که در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است... را دلیل وجود تمام علوم در قرآن بر می‌شمارند. حالیکه این آیات بر این که همه علوم در قرآن وجود دارند تأکید ندارد بلکه مقصود وجود مسائل کلی در رابطه با هدایت بشر است. این دسته از مفسران به خاطر این دیدگاه خطا، آیاتی را که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می‌گرداندند برای مثال غزالی از آیه شریفه «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» که ابراهیم (ع) می‌گوید وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد؛ علم پزشکی را استخراج می‌کند. (غزالی، ابوحامد، ۱۴۰۹: ۲۷). از این رو این‌گونه تفسیر علمی و انتظار وجود تمام علوم و جزئیات، در قرآن، منجر به تأویلات زیاد می‌گردد که اشتباه می‌باشد و در تفسیر مدیریتی نیز نمی‌توان با چنین نگاه به برداشت از آیات قرآن اقدام کرد.

۱-۲. تحمیل و تطبیق نظریات مدیریتی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق با آنها را در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را برخلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

۲. شیوه‌های درست

۲-۱. استخدام علوم در فهم آیات مدیریتی

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر علاوه بر آن که باید دارای شرایط لازم باشد، ضروری است که ضوابط تفسیر و روش تفسیری را هم رعایت کند. برای تفسیر هر آیه لازم است به لغت، تاریخ، شأن نزول، اسباب نزول، احادیث تفسیری، آیات دیگر و... مراجعه کند و پس از طی مراحل از علوم تجربی اثبات شده و قطعی برای فهم آیه کمک بگیرد و در این مسیر از هرگونه تفسیر به رأی و تأویل پرهیز کند و نظریات علمی را به صورت احتمالی و با احتیاط به قرآن نسبت دهد. این روش بهترین راه برای فهم بهتر آیات قرآن است. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴۵).

به عنوان نمونه بر اساس این شیوه می‌توان به بررسی نقش اخلاق در مدیریت از منظر قرآن پرداخت. حضرت موسی (ع) برای انجام فرمان الهی و دعوت فرعون به یکتاپرستی از خداوند متعال می‌خواهد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي»، (طه / ۲۵ و ۲۶) پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا؛ و کارم را برایم آسان گردان: از این آیه می‌توان استنباط کرد که رهبر باید دارای شرح صدر باشد.

۲-۲. نظریه‌پردازی‌های مدیریتی بر اساس آیات قرآن

قرآن کریم می‌تواند در مسائل، بحران‌ها و موضوعات مطرح راه‌گشا باشد و ارائه طریق نماید. از این رو می‌توان بر اساس آیات قرآن کریم به گسترش علم و پیشروی دانش بشری کمک کرد و به نظریه‌پردازی پرداخت. هرچند این راه فرایندی طولانی و پرتلاش را می‌طلبد تا مفسر پس از تسلط بر نظریات گوناگون و آگاهی از نقاط ضعف و قوت و خبردار بودن از مشکلات و پیچ و خم‌های علمی، از اقیانوس بی‌کران قرآن به استخراج دیدگاه قرآن بپردازد و آن را به جامعه علم مدیریت ارائه دهد.

بطور مثال مفسر می‌تواند از آیه «اجْعَلْنِي عَلَي خَزَائِنِ الْأَرْضِ»، (یوسف / ۵۵) استفاده

کند که در نظام مدیریت قرآنی شخص باید خود را برای مدیریت ارائه کند و حرکت به

سوی قدرت و ثروت بطور مطلق مذموم نیست و افراد کاردان و لایق و با هدف خدمت‌رسانی سزاوار است که به چنین مناصبی دست یابند.

نمونه‌ها

مهم‌ترین وظایف مدیریت به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و کنترل باز می‌گردند و سایر موضوعات و وظایف نیز ریشه در همین وظایف دارند. این موضوعات فرعی عبارتند از تصمیم‌گیری، فرهنگ سازمان، مدیریت منابع انسانی، کارمندیابی و انتخاب، آموزش و توسعه، مدیریت عملکرد، حقوق و مزایا، ایمنی و سلامت، تغییر و نوآوری، تغییر نگرش‌ها، شخصیت، ادراک، رفتار فردی، گروهی، یادگیری، انگیزش و پاداش، رهبری سرپرستی، ویژگی‌های رهبری، رفتار رهبری، اقتضائات رهبری، ارتباطات و مهارت‌های میان‌فردی، روش‌ها و ابزار کنترل و انضباط. اکنون به بیان برخی از دست‌یافته‌های تفسیری از منظر علم مدیریت و موضوعات آن به عنوان نمونه پرداخته می‌شود

برنامه‌ریزی

«وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَوَّلِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا خُدُودًا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ» (اعراف/۱۴۵)

«و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم -» پس آن را با جدیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنید! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است)؛ و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!»

برای برنامه‌ریزی باید بهترین راه را انتخاب نمود و آن را با تمام توان انجام داد، گرچه در بعضی موارد با توجه به اقتضائات، بهترین راه، به معنی مناسب‌ترین راه است (قرائتی، ۱۳۸۵: ۳).

کادر سازی

«وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» (اعراف/۱۴۲) «موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. جانشین (معاون مدیر) باید در کنار مدیر اصلی و با تجربه، در فراز و نشیب‌ها باشد تا ضمن کسب تجربه، او را یاری دهد و در نهایت مدیر سازمان بدون رهبر نماند.

نظارت

تلاش منظمی است در جهت رسیدن به اهداف استاندارد، طراحی سیستم بازخورد اطلاعات، مقایسه اجزاء واقعی با استانداردهای از پیش تعیین شده و سرانجام تعیین انحرافات احتمالی سنجش ارزشی آنها بر روند اجرایی که در برگزیده حداکثر کارایی است (رضائیان، ۱۳۸۷: ۲۶۲). واژه نظری، و مشتقاتش ۱۲۹ بار در قرآن بیان شده است. (سعیدی و نظری، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

افراد از دو جهت مورد نظارت قرار می‌گیرند، اولاً از جهت تخلف‌ها، لغزش‌ها و خطاهای فردی، ثانیاً از طریق کیفیت و چگونگی عملکرد و اجرای برنامه‌ها. جهت اول تحت عنوان انضباط در مدیریت منابع انسانی و جهت دوم تحت عنوان نظارت، در قلمرو وظایف مدیریت بحث شده است.

فرایندها- کیفیت اجرای برنامه‌ها و بررسی واقع و عوامل تسریع آن‌ها، نیز در کنار بررسی و کنترل افراد نظارت می‌شوند (قوامی، ۱۳۸۳: ۴۹۱). قرآن درباره نظارت می‌فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرُ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبأ / ۱۰- ۱۱)

«و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم.

(و به او گفتیم: زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم!»

سازمان منسجم حضرت داود (ع) برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی خالق هستی را به نحو مطلوب اجرا کرد و عملکرد موفقی را در طول مدیریتش به جا گذاشت، طبق مضمون آیات فوق، خداوند برنامه‌ریزی و طرح ساختن زره زیبا و محکم از آهن ذوب شده را به حضرت داود (ع) و زیر دستان وی واگذار کرد و از سازمان تحت فرمان وی درخواست نمود که این عمل نیک و شایسته را انجام دهند و در نهایت می‌گوید: من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم. یعنی در تمام کارها و افعال که انجام می‌دهید تحت نظارت و کنترل من باشید. در آیه مذکور، نظارت صریح و گویا بوده و خداوند عمل صالح را از حضرت داود و پرسنل او درخواست می‌کند. در ادامه آیه، اعطای پاداش در مقابل عمل صحیح یا تذکر و تنبیه‌های اصلاحی در صورت بروز عمل نادرست انجام می‌گیرد. وقتی که افراد بدانند خداوند دائماً ناظر بر کارها و عملکرد آن‌هاست تلاش می‌کنند که کارها و اعمالشان

را با دقت نظر چند برابر انجام دهند تا عملشان شایسته‌تر و صالح‌تر نزد خداوند ظاهر گردد. (قوامی، ۱۳۸۳: ۴۹۲).

رسا بودن سخن

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیر باید قابل فهم بودن سخن او برای مردم است. پیامبران به عنوان رهبران الهی وظیفه واسطگی بین خداوند و مردم را جهت بیان احکام الهی به صورت کامل و بدون کم و کاستی را بر عهده دارند. حضرت موسی نیز برای اینکه به‌خوبی از عهده هدایت و مدیریت قوم خود برآید و سخنش برای عموم مردم قابل فهم باشد، از خداوند درخواست نمود تا به او بیانی رسا عنایت نماید. «وَأَحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ

لِسَانِي»، (طه/ ۲۸ و ۲۷) و گره از زبانم بگشای، تا سخنان را بفهمند)

علی (ع): ما من شی اجلب لقلب الانسان من لسان، هیچ چیز به اندازه زبان، دل انسان

را به دنبال خود نمی‌کشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۸/ ۱۷۸۴۶).

کسانی که از هنر سخنوری برخوردار نیستند، کمتر اتفاق می‌افتد که سخن آن‌ها، هرچند متقن و ارزنده و آموزنده باشد در شنوندگان اثر قابل توجهی بگذارد. و بالعکس. چه بسا مطالب کم ارزش، وقتی در قالب کلمات زیبا و رسا بیان می‌شود، چنان شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بدون توجه به محتوای سخن، شیفته سخنور می‌شوند

۱۳۸ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

انگیزش و تکریم ارباب رجوع

«وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...» (انعام/ ۵۴) «هرگاه کسانی که به آیات ما

ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما...»

خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه، مؤمنان نزد تو آمدند به ایشان سلام کن. مدیران باید با برخوردی محبت آمیز، به افراد شخصیت دهند تا موجب افزایش انگیزش سازمانی و تکریم ارباب رجوع گردد.

نتیجه

قرآن کریم، کتاب هدایت است و می‌تواند در عرصه‌های گوناگون و در زمان‌های مختلف به پرتو افکنی بپردازد. استخراج این انوار الهی و بیان آن به زبان امروزی، نیازمند تخصصی شدن و ارائه تفاسیر بر اساس ضابطه و قانون است.

در آنچه گذشت تلاش شد تا به بررسی مبانی تفسیر مدیریتی قرآن پرداخته شود. نتیجه بیان مبانی عام و خاص این تفسیر، همچون: وجود آموزه‌های مدیریتی در قرآن، معطوف به رفتار بودن آیات قرآنی، اجتماعی بودن قرآن، مرجعیت و نجات بخشی قرآن در شرایط بحرانی بود. همچنین بیان سه رویکرد تفسیر آیات مدیریتی، نگاه مدیریتی به قرآن و کشف استنباط نظام مدیریتی قرآن از دیگر ثمرات است. یکی از مهم‌ترین نیازها در تفاسیر علمی مشخص کردن شیوه برخورد علوم با قرآن است توجه نداشتن به این مهم، به تأویل و تفسیر به رأی منجر شده است. انتظار استخراج همه جزئیات مدیریتی از قرآن و تحمیل نظریات مدیریتی به قرآن از شیوه‌های غلط و استخدام علوم در فهم آیات مدیریتی و نظریه پردازی‌های مدیریتی بر اساس آیات قرآن از شیوه‌های درست است. همچنین تفسیر مدیریتی را می‌توان به دو روش موضوعی و ترتیبی و موضوعی را به سه روش درون متنی، برون متنی و میان رشته‌ای به سامان رساند.

منابع

- ۱) بابایی، علی اکبر و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- ۲) جزینی، نسرین، مدیریت منابع انسانی، پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
- ۳) چینی‌فروش، غلام‌رضا، نگرشی تحلیلی بر مبانی مدیریت سازمان، دوم، مشهد، ۱۳۸۵.
- ۴) دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
- ۵) رابینز استیفین پی، و دی سنزو، دیوید ای، مبانی مدیریت، ترجمه سید محمد اعرابی و دیگران، هفتم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۶) رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نخست، قم، اسوه، ۱۳۷۵.
- ۷) رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، نخست، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۸) رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، نخست، قم، جامعه المصطفی العالمیه، تابستان ۱۳۸۷.
- ۹) رضائیان، علی، اصول مدیریت، هشتم، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۷.
- ۱۰) سعیدی، پرویز، نظری، محمد رضا، اصول مدیریت و سرپرستی، تهران، برابند پویش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۳.
- ۱۱) شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، نخست، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۱۲) صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، مجمع الشهداء الصدر العلمی والشقافی، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۳) غزالی، ابوحامد، جواهر القرآن و درره، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۴) قرا ملکی، قدر دان، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.

- (۱۵) قرائتی، محسن، ۳۰۰ اصل مدیریت اسلامی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- (۱۶) قوامی، سید صمصام‌الدین، مدیریت از منظر قرآن کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۳.
- (۱۷) کیا الحسینی، ضیای‌الدین، بررسی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، قم، دانشگاه مفید، بی تا.
- (۱۸) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الإسلامیة)، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
- (۱۹) محمدی، ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۶.
- (۲۰) محمدی ری شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- (۲۱) معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، اول، مشهد، الجامعه الرضويه العلوم السلامیه، ۱۴۱۸.
- (۲۲) مؤدب، سید رضا، روشهای تفسیر قرآن، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.
- (۲۳) مؤدب، سید رضا، لطفی، امیر علی، پیش فرض‌ها و مبانی مطالعات مدیریتی قرآن کریم، قرآن و علم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- (۲۴) مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، اول، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶.